

تاریخ معاصر ایران

جمعیت فرهنگ رشت

۱۳۱۰-۱۲۹۶ شمسی

به کوشش

محمد حسین خسرو پناه



کتابخانه ملی ایران - تهران

تاریخ معاصر ایران

مجموعه تاریخ معاصر ایران-۷۲



سرشناسه	: خسروپناه، محمدحسین، ۱۳۴۲-
عنوان و نام پدیدآور	: جمعیت فرهنگ رشت ۱۳۱۰-۱۲۹۶ ه.ش / محمدحسین خسروپناه.
مشخصات نشر	: تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۱ص.
فروست	: مجموعه تاریخ معاصر ایران: ۷۲.
شابک	: ۲-۲۸-۸۵۱۴-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیا.
موضوع	: فرهنگ (مجله)
موضوع	: جمعیت فرهنگ (رشت) Farhang magazine
موضوع	: مقاله‌های فارسی—قرن ۱۴—Persian essays—20 th century
موضوع	: فرهنگ—مقاله‌ها و خطابه‌ها Culture—Addresses, essays, etc
موضوع	: نشریات ادواری—ایران—گیلان Peridicals—Iran—Gilan
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۴ف۲/ف AP۹۵
رده‌بندی دیویی	: ۰۵۹/فا
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۶۳۱۳۲



جمعیت فرهنگ رشت

۱۳۱۰-۱۲۹۶ ه.ش

به کوشش محمدحسین خسروپناه

انتشارات شیرازه کتاب ما

طراح جلد: پردیس خرمی

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۶

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.net

جمعیت فرهنگ رشت

۱۳۱۰-۱۲۹۶ ه. ش

به کوشش

محمد حسین خسروپناه

فهرست مطالب

۷	یادداشت دبیر مجموعه
۹	پیشگفتار
۱۳	جمعیت فرهنگ (رشت؛ ۱۳۱۰-۱۲۹۶ ه.ش) / محمدحسین خسروپناه
۵۵	پیوست‌ها:
۵۵	۱. فهرست دوره مجله فرهنگ
۷۳	۲. برگزیده مقاله‌های مجله فرهنگ
۷۴	مرام ما
۸۰	مدارس قدیمه
۸۴	سرود ملی ما و مارسه‌یز
۹۴	اخلاق
۹۹	محصلین ایرانی در فرنگ
۱۰۷	به محصلین مدارس
۱۰۹	هشت سال مبارزه
۱۱۳	جمعیت ایران
۱۲۰	تبریک عید
۱۲۲	یک درس ادبی
۱۲۹	یونکرس اشتباه کرد
۱۳۰	تبریکنامه جمعیت فرهنگ
۱۳۳	تکامل چیست؟

۱۴۷	جامعه نو زبان نو لازم دارد
۱۶۳	دایی نمایشی
۱۶۶	آنتی سمیتیزم
۱۷۳	خطابه جمعیت فرهنگ
۱۷۸	تذکر
۱۷۹	تکامل و انقلاب
۱۹۳	همیشه ماده - همیشه حرکت
۲۰۵	رجل اجتماعی بزرگ ایران/ میرزا آقاخان کرمانی
۲۴۷	نامه سعید نفیسی
۲۵۱	به یادگار دایی نمایشی
۲۵۷	اعتذار - تبریک
۲۵۹	تقاضا
۲۶۰	در اطراف تغییر الفبا
۲۶۳	فهرست اعلام

یادداشت دبیر مجموعه

به دنبال بسته شدن عرصه تحرکات سیاسی، پاره‌ای از نیروهای برکنار گام در راه فعالیت‌های فرهنگی می‌نهند؛ در کنار نفس فعالیت‌های فرهنگی و منافع مترتب بر آن از لحاظ توسعه معارف و تنویر افکار عمومی، حفظ و احیاء جذب بیش از پیش نیروهای همسو و همراه اجتماعی نیز می‌تواند یکی از دیگر انگیزه‌های انتخاب چنین راهی باشد. امید آن است دوره قبض و انسداد، چندان به درازا نکشد، در فرصتی دیگر با توانی بیش از پیش، از نو وارد کار شد. اما هنگامی که با گذشت زمان و پیش نیامدن فرصتی دیگر آن قبض و انسداد که شاید در نگاهی خوش‌بینانه حاصل نوعی شرایط اضطراری و گذرا تلقی می‌شد و نه فقط برطرف نشده بلکه به صورت یک استبداد مطلقه، ابعادی عمیق و گسترده پیدا می‌کند، آن گزینه فرهنگی نیز منتفی می‌شود؛ اگر تلاش و تکاپویی برجای می‌ماند، جنبه‌ای کاملاً فردی دارد.

سرگذشت جمعیت فرهنگ رشت در فاصله مراحل پایانی جنگ اول جهانی تا تبدیل نظام نوپای پهلوی به یک استبداد تمام‌عیار در سال‌های نخست دهه ۱۳۱۰ شمسی نیز تحت الشعاع یک چنین فراز و نشیبی قرار گرفت.

یکی از دستاوردهای مهم جمعیت فرهنگ که سرگذشت آن بخش اول و اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد - (صص ۵۳-۱۳) - مجله فرهنگ است. علاوه بر گزیده‌ای از مقالات منتشرشده در این مجله در فاصله زمستان

۱۲۹۸ تا مهر ۱۳۰۷ (صص ۲۶۲-۷۳)، از کل مقاله‌های و مطالب منتشر شده در این مجموعه نیز فهرستی تهیه شده است که هر دو از لحاظ روشن‌تر شدن سمت و سوی فعالیت‌های جمعیت فرهنگ، روشنگر هستند.

کاوه بیات

پیشگفتار

با انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵ ه.ش) نظام سیاسی ایران از سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه پارلمانی تبدیل شد. مجلس شورای ملی به عنوان نهاد ملی مشارکت عمومی در فرآیند سیاسی و قانونگذاری کشور تشکیل شد و قانون اساسی و متمم آن را بر بنیان نظریه حاکمیت مردم تدوین کرد و با تأکید بر اینکه همه «قوای مملکت ناشی از ملت است» (اصل ۲۶ متمم قانون اساسی) برای اولین بار در ایران اراده عمومی به عنوان منشأ قدرت سیاسی به رسمیت شناخته شد. به رسمیت شناخته شدن حقوق فردی، تساوی ایرانیان در برابر قانون، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و... از دیگر مباحث قانون اساسی مشروطه و متمم آن بود تا مفهوم «ملت» و «ملت صاحب حق» بتواند متجلی شود. بر این اساس، مجامعی خودجوش به نام انجمن در شهرها و حتی شماری از روستاهای ایران تشکیل شد و اقشار مختلف جامعه تلاش کردند از طریق انجمن‌ها در روند تحولات جامعه ایران (خواه در بُعد ملی و خواه در محدوده محلی و منطقه‌ای) مشارکت کنند و بر آن روند تأثیر بگذارند.

اگرچه اندیشمندان و فعالان سیاسی عصر مشروطه، نوسازی همه‌جانبه جامعه ایران را مد نظر داشتند و بر اصلاح و نوسازی فرهنگی بسیار تأکید می‌کردند اما رویارویی مشروطه‌خواهان و استبدادطلبان در دوره اول مجلس

شورای ملی ایران موجب شد مبارزه برای تحکیم بنیان نوسازی سیاسی در اولویت قرار گیرد و پرداختن به دیگر جنبه‌های نوسازی جامعه ایران موکول به نتیجه آن رویارویی شود. از این رو، در آن شرایط اکثر قریب به اتفاق انجمن‌ها، سیاسی و صنفی بودند؛ با این حال، معدودی انجمن با هدف «ترقی معارف» در تهران تشکیل شد که از آنها می‌توان به «انجمن مرکزی معلمین» و «انجمن علمی محصلین» اشاره کرد که هدفشان آموزش دادن علوم جدید بود تا از این طریق آگاهی را در جامعه ایران گسترش دهند. انجمن وطن‌پرستان هم می‌خواست با ترجمه و تألیف کتاب‌های ادبی و تاریخی و فرهنگ لغت «در راه آگاهی و بیداری همشهری‌های عزیز» اقدام کند. فتح تهران و خلع محمدعلی‌شاه از سلطنت (۲۴ و ۲۵ تیر ۱۲۸۸) که به معنای پیروزی مشروطه‌خواهان بر استبدادطلبان و تحکیم نظام مشروطه پارلمانی بود، موجب شد اصلاح و نوسازی فکری و فرهنگی بیش از پیش مورد توجه قرارگیرد. از این رو، پس از استقرار دوباره نظام مشروطه پارلمانی، گروهی از فعالان سیاسی و اجتماعی در تهران و سپس در برخی از شهرهای ایران شکل‌های فرهنگی پدید آوردند که هدفشان تهذیب اخلاق فردی و جمعی، توسعه مدارس، افزایش آگاهی و دانش عمومی، مبارزه با خرافات و ناآگاهی و... بود. شیوه‌های فعالیت آن تشکلهای کم و بیش مشابه بود و با توجه به امکاناتی که در اختیار داشتند با تأسیس قرائتخانه و کتابخانه، تشکیل گروه‌های نمایشی، تأسیس مدرسه و کلاس اکابر و... تلاش می‌کردند به آن هدف‌ها دست یابند. جمعیت فرهنگ رشت یکی از مهمترین آن تشکلهای است که به رغم همه محدودیت‌ها و عوامل بازدارنده نه تنها بیش از دیگر تشکلهای مشابه دوام آورد بلکه گستره و تأثیر فعالیت‌هایش از محدوده رشت فراتر رفت و الگویی برای تشکلهای فرهنگی آن دوره شد.

مجموعه حاضر به جمعیت فرهنگ رشت اختصاص دارد و در دو

بخش تنظیم شده است: در بخش اول، مقاله «جمعیت فرهنگ (رشت؛ ۱۳۱۰-۱۲۹۶ ه.ش)» به چگونگی شکل‌گیری، فعالیت‌ها، مشکلات و موانعی که در برابر آن جمعیت قرار داشت و دلایل انحلال آن می‌پردازد. در بخش دوم، فهرست کامل دوره مجله فرهنگ و برگزیده‌ای از مقاله‌ها و مطالب آن مجله ارائه شده است که می‌تواند به شناخت بیشتر از آن مجله و فعالیت‌های جمعیت فرهنگ کمک کند. برخی از مقاله‌های انتخاب‌شده برای این مجموعه، مباحثی را دربرمی‌گیرد که اکنون برای علاقمندان آن شناخته‌شده است و کتاب‌ها و مقاله‌هایی به مراتب کامل‌تر و دقیق‌تر در آن زمینه به زبان فارسی موجود است اما نباید فراموش کرد نود سال پیش چنین مباحثی در ایران ناشناخته بود و اولین بار مجله فرهنگ به آنها پرداخت. علاوه براین، مقاله «سی سال پس از رجل اجتماعی بزرگ ایران مرحوم میرزا آقاخان کرمانی» یکی از اولین پژوهش‌های تاریخ فکر در ایران است که نه تنها پژوهشگران معاصر مانند فریدون آدمیت و باقر مؤمنی از آن تأثیر پذیرفته‌اند بلکه همچنان یکی از بهترین پژوهش‌ها در این زمینه است.

این مجموعه با توجه به ارزش تاریخی و اسنادی آن انجام می‌شود و الزاماً به معنای همراهی و همدلی یا موافقت با تمامی مضامین مندرج در مقالات ارائه‌شده نیست.

دست‌رسی به شماره‌های دوره اول مجله فرهنگ به همت آقای روزبه رحیمی امکان‌پذیر شد و خانم بنفشه مسعودی‌نیا و آقای سیاوش رنجبر دائمی هم خاطرات منتشرشده در مجله دنیا را فراهم کردند. از آنها صمیمانه تشکر می‌کنم.

محمدحسین خسروپناه

جمعیت فرهنگ

(رشت؛ ۱۳۱۰-۱۲۹۶ ه.ش)

در ۱۵ رمضان ۱۳۳۵ ه.ق/ ۶ ژوئیه ۱۹۱۷ م «جمعیت فرهنگ» در شهر رشت تشکیل شد. بنیانگذار آن میرزا حسین خان جودت دبیر ریاضیات مدرسه احمدی و از مسئولان شعبه رشت فرقه دموکرات عامیون ایران بود. جودت که در سال ۱۳۳۴ ه.ق/ ۱۹۱۶ م برای تدریس ریاضیات در مدرسه هشت کلاسه احمدی استخدام شده و از تهران به رشت آمده بود، در توضیح علت تشکیل جمعیت فرهنگ می‌نویسد: پس از مدتی تدریس، «جسته و گریخته می‌شنیدم که دانشجویان [دانش آموزان] و جوانان هم کُفو آنان مشغولیات تفریحی سالمی ندارند. مصمم شدم آنان را به نحوی سرگرم نمایم تا از ابتلاآت بد و آلودگی‌های معاشرت‌های نامناسب، آنان را باز دارم. [...] چون مشغولیاتی هم که می‌خواستم برای جوانان دانشجو [دانش آموز] فراهم کنم لزوماً می‌بایستی در زمینه کارهای معارفی باشد بنابراین چند تن از دانشجویان [دانش آموزان] را دعوت کردم و گفتم بیایید با هم یک جمعیت فرهنگی تشکیل دهیم.»^۱

الگوی جودت برای تشکیل جمعیت فرهنگی، «شرکت علمیة فرهنگ»

۱. حسین جودت، یادبودهای انقلاب گیلان و تاریخچه جمعیت فرهنگ رشت، بی‌جا، چاپخانه درخشان، ۱۳۵۱، صص ۱۷-۱۶.

بود که در شعبان ۱۳۲۷ ه. ق/ اوت ۱۹۰۹م به کوشش محمدعلی فروغی، سلیمان میرزا اسکندری، سیدعلی نصر، محمود بهرامی، علی اکبر داور و... در تهران تشکیل شد. براساس مادهٔ اول نظامنامه: «مقصد اصلی شرکت علمی فرهنگ ترقی علوم و انتشار معارف است و برای وصول به این مقصد به وسایل مختلفه از قبیل تأسیس کلاس‌های اکابر مجانی و تشکیل قرائتخانه و ترتیب [دادن] کنفرانس‌ها و فراهم کردن نمایش‌های علمی و اخلاقی و ترجمهٔ کتب مفیده و غیره ذالک به کار می‌برد.»^۱ با اینکه بیشتر بنیانگذاران آن شرکت از فارغ‌التحصیلان مدرسهٔ علوم سیاسی وزارت خارجهٔ ایران بودند و شرکت فرهنگ را یک ماه پس از فتح تهران از سوی قوای مشروطه‌خواه (۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷) و برقراری دوبارهٔ نظام مشروطیت تشکیل دادند، اما آنها در مادهٔ سوم نظامنامه تأکید کردند: «شرکت علمی فرهنگ از مسلک علمی خارج نمی‌شود و به هیچ‌وجه در امور پلتیکی جاریه دخالت نمی‌کند.»^۲ علت عدم مداخله در امور سیاسی از آن رو بود که بنیانگذاران شرکت فرهنگ نظرات سیاسی متفاوتی داشتند و تعیین مشی سیاسی واحد نه تنها امکان‌پذیر نبود بلکه راه را بر مشارکت اشخاص با نظرات سیاسی متفاوت می‌بست و فعالیت شرکت فرهنگ را به بن بست می‌کشاند. از این رو، «اعضا هر مسلکی داشتند پشت در گذاشته وارد جلسه می‌شدند و هیئت مدیره با کمال دقت این ماده را رعایت و پیروی می‌کرد.»^۳ پایبندی اعضای شرکت فرهنگ به این اصل از نظامنامه موجب شد وقتی فرقهٔ دموکرات عامیون ایران در ۱۲ رجب ۱۳۲۹/ ۹ ژوئیه ۱۹۱۱ شکل ادبی و هنری خود را به نام «مجمع ادب» تشکیل داد هیچ یک از اعضا و رهبران فرقهٔ دموکرات

۱. «بیان‌نامهٔ شرکت علمی فرهنگ»، در: روزنامهٔ ایران نو، ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۸.

۲. همانجا.

۳. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۲، تهران، زوار، ۱۳۶۰، ص ۳۱۵.

که عضو شرکت فرهنگ بودند از آن جدا نشوند و به فعالیت خود در آن شرکت ادامه دهند. عضویت در شرکت فرهنگ مشروط بود به پذیرفتن برنامه و نظامنامه و «هرکس داوطلب می‌شد با معرفی دو نفر از اعضا و رأی مخفی اکثریت هیئت مدیره به عضویت پذیرفته» می‌شد.^۱ جلسه هیئت مدیره شرکت علمیه فرهنگ (محمدعلی فروغی، سلیمان میرزا اسکندری، علی‌اکبر داور، محمود بهرامی، عبدالله مستوفی و...) صبح‌های جمعه تشکیل می‌شد.

شرکت علمیه فرهنگ در ۱۵ رمضان ۱۳۲۷ ه.ق کلاس اکابری رایگان به نام «دبستان شبانه فرهنگ» تأسیس کرد^۲ که گویا مورد توجه قرار گرفت و «جمعی کثیر همه روز از یک ساعت به غروب مانده تا یک ساعت از شب رفته در آنجا دروس ابتدایی فارسی و عربی و زبان فرانسه و حساب و جغرافیا و تاریخ و حقوق اساسی و علم ثروت تحصیل» می‌کردند. معلمان کلاس اکابر از اعضای شرکت فرهنگ بودند و «بدون مزد و منت» تدریس می‌کردند.^۳

منابع مالی شرکت فرهنگ محدود بود؛ در ابتدا مبلغ ۳۰۰ تومان سرمایه اولیه را که اعضای جمعیت فراهم کرده بودند در تجارتخانه جمشیدیان سرمایه‌گذاری کردند و از آنجایی که درآمد ناشی از آن کفاف فعالیت‌های شرکت را نمی‌داد درصدد برآمدن با برگزاری گاردن پارتی و اجرای نمایش‌های سیاسی، اخلاقی و اجتماعی کسری درآمد شرکت را تأمین کنند. برای اجرای نمایش، شرکت فرهنگ به اعضای خود متکی بود. نمایشنامه‌ها را یا اعضای شرکت مانند سید علی نصر می‌نوشتند یا محمد علی فروغی به کمک فهیمی ترجمه می‌کرد. شماری از اعضای شرکت فرهنگ مانند شیخ رضا ملکی، میرزا محمد علی خان ملکی، محمود بهرامی، سید علی نصر،

۱. همانجا.

۲. روزنامه/یران نو، ۱۵ شعبان ۱۳۲۷ و ۲۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۸.

۳. روزنامه/یران نو، ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۸.

علی اکبر داور و... بازیگران آن نمایش‌ها بودند.^۱ علاوه بر این، شرکت فرهنگ به منظور تأسیس مدرسه ابتدایی بلیط‌های اعانه به قیمت‌های مختلف از پنج قران تا صد تومان چاپ کرد^۲ و از این طریق توانست سرمایه کافی برای احداث ساختمان مدرسه و تهیه وسایل و امکانات لازم برای تحصیل کودکان فراهم کند. شرکت فرهنگ بعداً این مدرسه را به رایگان به وزارت معارف واگذار کرد.^۳

میرزا حسین خان جودت که در آن هنگام در تهران تحصیل و کار می‌کرد از شرکت علمیه فرهنگ و فعالیت‌هایش خبر داشت^۴ در رشت در صدد برآمد همانند آن شرکت را تشکیل دهد. از این رو، در ابتدا ۹ نفر^۵ از معلمان (تقی رائق و حسین روحی کرمانی) و دانش آموزان مدرسه هشت کلاسه احمدی (علی گباری، کریم کشاورز، رضا روستا، حسین فصیحی و...) را برای تشکیل «جمعیت فرهنگ» دعوت کرد. آنها «پیشنهاد را پذیرفتند و مرا مأمور ساختند که آیین نامه‌ای در این زمینه تهیه کنم. این کار ظرف چند روز انجام شد و [آیین نامه را] برای شور پیش آنان گذاشتم»^۶ آیین نامه یا به عبارت دقیق‌تر نظامنامه‌ای که به تصویب آن جمع رسید، دارای ۴۶ ماده بود که ۳۳ ماده آن درباره جمعیت و ۱۳ ماده آن مربوط به هیئت مدیره بود.^۷ نظامنامه مشخص می‌کرد که جمعیت دارای هیئت مدیره است و هیئت مدیره دوبار در هفته تشکیل جلسه می‌دهد، جلسه عمومی

۱. مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۲، ص ۳۱۵.

۲. روزنامه ایران نو، ۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۸.

۳. مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۲، ص ۳۱۵.

۴. جودت، یادبودهای انقلاب گیلان و...، ص ۱۷.

۵. محمد شبانی در توضیح تشکیل جمعیت فرهنگ، در شماره اول مجله فرهنگ نوشته است: «در

۱۵ رمضان ۱۳۳۵ مجمع کوچکی که مرکب از یک عده ده نفری از جوانان باذوق و تجددخواه بود

در شهر رشت تأسیس شد» مجله فرهنگ، اول برج جدی [دی] ۱۲۸۹، ص ۵.

۶. جودت، یادبودهای انقلاب گیلان و...، ص ۱۷.

۷. مجله فرهنگ، اول برج جدی [دی] ۱۲۸۹، ص ۶.

اعضا هفته‌ای یک بار تشکیل می‌شود، تصمیم‌گیری با اکثریت آرا است، موضوع هر جلسه در جلسه قبلی تعیین می‌شود، و... علاوه بر این ماده‌ها که برای تعیین حدود اختیارات و وظایف هیئت مدیره، برقراری نظم و ترتیب در جلسه‌ها و فعالیت‌های اعضا بود، نظامنامه مشخص می‌کرد که «جمعیت فرهنگ در امور دینی و مذهبی بحث نمی‌کند» و همچنین «در کارهای سیاسی وارد گفتگو» نمی‌شود.^۱ به نوشته حسین جودت «علت قید این دو نکته از این نظر بود که این جمعیت دربادی امر مواجه با مخالفت‌هایی از خارج نشود و هو و جنجالی برپا نگردد.» بجز این دو مورد، «در هر بحث و موضوع دیگری علمی و ادبی، اخلاقی، تاریخی اعضا می‌توانند مطالعه کرده و در جلسات به مباحثه در آن پردازند و با دادن کنفرانس و سخنرانی‌ها، اعضا و رفقای خود را بهره‌مند سازند.»^۲ جمعیت فرهنگ دارای مرامنامه هشت ماده‌ای هم بود که هدف‌های آن را مشخص می‌کرد. هدف اصلی آن جمعیت «تنویر افکار عمومی و مبارزه با خرافات بود.»^۳ و ماده دوم مرامنامه دستیابی به این هدف و همچنین «تهذیب اخلاق» را «به وسیله دادن نمایش‌ها، انتشار روزنامه‌ها و ایراد کنفرانس‌های علمی و اخلاقی» امکان‌پذیر می‌دانست.^۴ به نوشته رضا روستا، «مرام ما بجز از مسلک معارف نیست» شعار جمعیت فرهنگ بود.^۵

اگرچه حسین جودت می‌نویسد انگیزه‌اش از تشکیل جمعیت فرهنگ فراهم کردن «مشغولیات و تفریحی سالم» برای دانش‌آموزان و جوانان رشت

۱. جودت، یادبودهای انقلاب گیلان و...، ص ۱۷؛ علی کُبّاری، «خاطراتی از جمعیت فرهنگ و حزب کمونیست در گیلان»، مجله دنیا، زمستان ۱۳۵۰، ص ۸۱

۲. جودت، یادبودهای انقلاب گیلان و...، ص ۱۷.

۳. کُبّاری، خاطراتی از جمعیت فرهنگ و...، ص ۸۱

۴. م. شبانی، «مرام ما»، مجله فرهنگ، اول برج جدی [دی] ۱۲۹۸، ص ۶.

۵. رضا روستا، «مجمع ادبی فرهنگ»، مجله دنیا، پاییز ۱۳۴۴، ص ۸۳

بود اما پس از مدتی او و یارانش دریافتند اقدام آنها بخشی از یک روند فکری و اجتماعی است که در ایران روبه گسترش است. همزمان با جمعیت فرهنگ یا مدتی پس از آن، جمعیت‌هایی مانند آن با هدف‌هایی کم و بیش یکسان در شماری از شهرهای ایران بخصوص در نیمه شمالی کشور تشکیل شد. براین اساس، در سال ۱۳۰۴ تقی رائقی در توضیح علت تشکیل جمعیت فرهنگ نوشت: «فکر عوض شدن و عوض کردن و کسب علوم و پیروی و ترقی و تجدد فکری است که در نتیجه وضعیات داخلی و خارجی مملکت در مغزهای تمام هموطنان جوان ما کم و بیش تولید شده و تشکیل [جمعیت] فرهنگ در گیلان یکی از نتایج منطقی این وضعیت عمومی است.»^۱

جمعیت فرهنگ با اجاره کردن خانه‌ای در محله آقافخر فعالیت خود را شروع کرد^۲ و دو سال بعد که فعالیت‌های جمعیت گسترده شد، سینمای آلیوش بیک علیوف بادکوبه‌ای را که در سبزه میدان بود اجاره کردند و دفتر جمعیت به آنجا منتقل شد. این ساختمان سالن وسیعی داشت که جمعیت فرهنگ به مناسبت‌های گوناگون کنفرانس‌ها و جلسه‌های سخنرانی را در آنجا برگزار می‌کرد.^۳

کمیسیون‌ها

جمعیت فرهنگ دارای پنج کمیسیون مالی، قرائتخانه و کتابخانه، موزیک، تئاتر و کلاس اکابر بود و هر کمیسیون فعالیت‌های جمعیت در آن عرصه را

۱. تقی رائق، «هشت سال مبارزه»، مجله فرهنگ، حمل [فروردین] ۱۳۰۴، ص ۵.

۲. احسان طبری، «درباره انجمن فرهنگ رشت (۱۲۹۶-۱۳۰۲)»، مجله دنیا، خردادماه ۱۳۵۹، ص ۱۷۴.

۳. ابراهیم فخرایی، «نمادی از یک زیست»، در: یادگارنامه فخرایی، به کوشش رضا رضازاده لنگرودی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳، ص ۹۶.

اداره می‌کرد. علاوه بر کمیسیون‌ها، جمعیت فرهنگ دارای مجله‌ای به نام فرهنگ بود. کمیسیون‌ها بتدریج و طی سه سال همپای گسترش فعالیت‌های جمعیت فرهنگ تشکیل شد.

کمیسیون مالی به درآمدها و مخارج جمعیت می‌پرداخت. منابع مالی جمعیت عبارت بود از: حق عضویت اعضا، اعانه و درآمد حاصل از نمایش. جمعیت فرهنگ ساختار تشکیلاتی نداشت^۱ با این حال اعضای رسمی^۲ جمعیت که پیش از سال ۱۳۰۰ بین ۲۰ تا ۲۵ نفر بودند^۳ هر ماه مبلغی را به عنوان حق عضویت می‌پرداختند.^۴ اعانه‌دهندگان هم دست‌کم تا سال ۱۲۹۹/۱۹۲۰، دو دسته بودند آنهایی که هر ماه مبلغی را (بین ۱ تا ۱۰ قران) می‌پرداختند و کسانی که گاهی به جمعیت کمک مالی می‌کردند که طبق فهرست منتشر شده در مجله فرهنگ مبلغ آن زیاد نبود.^۵ درآمد اصلی جمعیت از اجرای نمایش بود که نه تنها کفاف مخارج فعالیت‌های جمعیت را می‌داد بلکه «کسر بودجه‌های اغلی از مدارس رشت را ضمانت می‌نمود و نمی‌گذاشت امور آن مدارس تا حدی مختل بماند [و] همیشه در صندوق

۱. توضیح آرداشس آوانسیان در خاطراتش این تصور را پدید می‌آورد که گویا جمعیت فرهنگ دارای تشکیلات بوده و او مسئولیت چند نفر از اعضای جمعیت را برعهده داشته است. حال آنکه چنین نبوده است. آوانسیان می‌نویسد: عضو جمعیت فرهنگ بودم و «روزی که میرزا کوچک‌خان جنگلی به رشت آمد و مردم رشت از آنها در بیرون شهر استقبال کردند، من که سرکردگی گروهی چهارپنج نفری از رفقای جمعیت فرهنگ را داشتم و همه به جنگلی‌ها علاقمند بودیم، بیرون شهر به استقبال رفتیم.» *خاطرات اردشیر آوانسیان*، تهران، شهاب ثاقب و سخن، ۱۳۷۸، ص ۱۳.

۲. جمعیت فرهنگ دارای اعضای رسمی و اعضای افتخاری بود. از اعضای افتخاری جمعیت می‌توان از حسن ناصر، آقا دایی نمایشی، سیدحسن خان اصالت (بعداً بانکی) و میرزایحیی کرمانی نام برد.

۳. کُبّاری، *خاطراتی از جمعیت فرهنگ و...*، ص ۸۱؛ احسان طبری، «درباره انجمن فرهنگ رشت»، ص ۱۷۴.

۴. کُبّاری، *خاطراتی از جمعیت فرهنگ و...*، ص ۸۱؛ رضا روستا، «مجمع ادبی فرهنگ»، مجله دنیا، پاییز ۱۳۴۴، ص ۸۳.

۵. برای فهرست اعانه‌دهندگان مستمر و غیرمستمر بنگرید به: مجله فرهنگ، اول ثور [اردیبهشت] ۱۲۹۹.

خود مقداری ذخیره داشت که با آن ملبوس تئاتر و سایر لوازم و ضروریات را می‌توانست تهیه کند.^۱

جمعیت فرهنگ در سال ۱۲۹۸ کتابخانه و قرائتخانه خود را در دفتر جمعیت در سبزه میدان افتتاح کرد. مدیر قرائتخانه، حسین وحدانی بود. در آن زمان کتابخانه فرهنگ دارای ۲۷۶ جلد کتاب به زبان‌های فارسی، روسی و فرانسه و روزنامه‌ها و مجله‌های متعدد داخلی و خارجی بود. در اسفندماه ۱۳۰۳ تعداد کتاب‌های این کتابخانه بیش از یک‌هزار جلد بود^۲ و به نوشته صادق کوچکپور، در سال ۱۳۱۰ که جمعیت فرهنگ به دستور شهربانی تعطیل شد «کتابخانه آن را که متجاوز از ۱۵ هزار جلد کتاب علمی و تاریخی و اخلاقی نفیس و گرانبها» از جمله یک دوره انسیکلوپدی داشت، به اداره شهربانی منتقل کردند.^۳ کتابخانه و قرائتخانه جمعیت فرهنگ عمومی بود و به نوشته تقی رائقی «براساس دفتر قرائتخانه، در سال‌های ۱۳۰۳-۱۳۰۲، ۲۵ هزار نفر از کتابخانه و جراید [آن] استفاده کردند.»^۴ مهم‌ترین مشکل کتابخانه فرهنگ این بود که عده‌ای کتاب‌ها را امانت می‌گرفتند اما «با عذرهای غیرموجه» کتاب‌ها را به کتابخانه باز نمی‌گرداندند و مسئولان کتابخانه به اشکال گوناگون و از جمله با انتشار اطلاعیه‌ها و تذکرات متعدد در مجله فرهنگ تلاش می‌کردند آنها را وادار به بازگرداندن کتاب‌ها به کتابخانه کنند.^۵

در باره «کمیسون موزیک» جمعیت فرهنگ اطلاع چندانی در دست نیست جز آنکه «ناظم» آن کریم کشاورز بود و کمیسون موزیک اشخاص را به

۱. م. شبانی، «مرام ما»، مجله فرهنگ، اول برج جدی [دی] ۱۲۹۸، ص ۵.

۲. تقی رائقی، «هشت سال مبارزه»، ص ۵.

۳. صادق کوچکپور، نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی - اجتماعی گیلان و قزوین، به کوشش

سیدمحمد تقی میرابوالقاسمی، رشت، گیلکان، ۱۳۶۹، ص ۹۶.

۴. تقی رائقی، «هشت سال مبارزه»، ص ۵.

۵. برای نمونه‌ای از آن اطلاعیه‌ها، بنگرید به: مجله فرهنگ، خرداد ۱۳۰۴.

آموختن «علم موسیقی» تشویق می‌کرد.^۱ آن کمیسیون در بهمن ماه ۱۲۹۸ «کلاس موزیک» را برای آموزش سازهای موسیقی دایر کرد که هرشب در دفتر جمعیت تشکیل می‌شد و مردان می‌توانستند در آن کلاس شرکت کنند.^۲ هاکوب کوزنتسیان معلم کلاس موزیک جمعیت فرهنگ بود.

اجرای نمایش نه تنها تأمین‌کننده مالی بلکه تأثیرگذارترین فعالیت جمعیت فرهنگ در بین مردم بود. هدف و تلقی اعضای جمعیت فرهنگ از اجرای نمایش مانند دیگر تجددطلبان و ترقیخواهان آن دوره بود. آنها کلاس اکابر و بخصوص تئاتر را ابزار مؤثری برای گسترش آگاهی، روشن کردن افکار و اذهان عامه و آشنایی مردم با حقوق فردی و اجتماعی خود می‌دانستند. با توجه به بی‌سوادی بیشتر مردم ایران در آن زمان، «اکثراً یقین داشتند که بهترین وسیله تربیت توده و آشناکردن آنها به عیوب قدیم و محاسن جدید، تئاتر است؛ زیرا، تأثیر افسانه و بازی در اذهان ساده به مراتب بیش از درس و وعظ است.»^۳ در خصوص تأثیر تئاتر بر توده مردم حتی تا آنجا پیش می‌رفتند که برخی ساده‌دلانه مدعی می‌شدند: «مقصود عمده از تئاتر آن است که هیئت اجتماعی را در اندک زمان و بلکه با یک پیس از حیث علم و اخلاق ترفیع نموده و بر معلومات بیفزاید.»^۴ براساس چنین باوری در برخی از شهرهای ایران مانند تبریز، اردبیل، اصفهان، انزلی، قزوین و... که تشکلهای فرهنگی تجدد طلب پدید آمد اجرای نمایش بخش اصلی فعالیت‌های آنان بود.

در رشت هم از سال ۱۳۲۹ ه. ق اجرای نمایش‌های اجتماعی و اخلاقی انتقادی از سوی «هیئت امید ترقی» به سرپرستی میرزا حسن خان ناصر

۱. تقی رانقی، «هشت سال مبارزه»، ص ۵.

۲. مجله فرهنگ، اسفندماه ۱۲۹۸، ص ۷۷.

۳. رشید یاسمی، ادبیات معاصر، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۱۶، ص ۱۲۷.

۴. روزنامه صدای ایران، ۲۷ ذیحجه ۱۳۳۵.

شروع شد. اجرای نمایش از سوی این هیئت براساس همان تلقی تجددطلبان از تئاتر بود و نمایش‌های آن هیئت توانست «بسیاری از بازاریان و طبقات مختلف را که از دنیا و مافیها ناآگاه بودند» تحت‌تاثیر قرار دهد.^۱ در پی تشکیل جمعیت فرهنگ، میرزا حسن خان ناصر و عده‌ای از اعضای هیئت امید ترقی مانند میرزا محمد حسین خان دایی تبریزی (معروف به آقادیبی نمایشی)، شیخ قاسم انصاری، اسماعیل شبرنگ، خلیلی و... به آن پیوستند یا با آن همکاری کردند.^۲ علاوه بر آنها، عده‌ای از اعضای جمعیت فرهنگ مانند صادق کوچکپور، محمدباقر گلبرگ، رضا روستا، علی کُباری و... هم در نمایش‌های جمعیت بازی می‌کردند. آقادیبی نمایشی سرپرست و کارگردان گروه نمایش جمعیت فرهنگ و اسماعیل شبرنگ ناظم کمیسیون تئاتر جمعیت فرهنگ بودند.^۳

جمعیت فرهنگ دو نوع نمایش اجرا می‌کرد: یکی پرده خوانی بود که در معابر اجرا می‌شد و دیگری نمایش‌هایی بود که در سالن و روی سن اجرا می‌کردند. متن‌های پرده‌خوانی را محمدآقا کسمایی «نظربه وضع زمان به نظم درآورده و با نقاشی موضوع در تابلو [پرده] به وسیله اینجانب [محمد باقر گلبرگ] و مرحوم [شیخ قاسم] انصاری به معرض تماشای عموم گذارده می‌شد و جلب توجه زیاد می‌کرد».^۴

نمایشنامه‌هایی که گروه نمایشی جمعیت فرهنگ اجرا می‌کرد مانند بیشتر گروه‌های نمایشی مشابه آنها در دیگر شهرهای ایران، عمدتاً ترجمه آثار نویسندگان اروپایی مانند اوژن لابیش، راسین، ویکتور هوگو و به‌ویژه

۱. ابراهیم فخرایی، *نمادی از یک زیست*، ص ۹۰.

۲. یادداشت‌های محمد باقر گلبرگ، در: جودت، *یادبودهای انقلاب گیلان و...*، ص ۲۲.

۳. هشت سال مبارزه، *مجله فرهنگ*، حمل [فروردین] ۱۳۰۴، ص ۵؛ *مجله فرهنگ*، حوت [اسفند]

۱۲۹۸، ص ۷۲.

۴. یادداشت‌های محمد باقر گلبرگ، در: جودت، *یادبودهای انقلاب گیلان و...*، ص ۱۹.

مولیر بود. تأکید بر اجرای نمایشنامه‌های مولیر برای آن بود که «نمایشنامه‌های کم‌دی مولیر انتقادهای کوبنده‌ای داشت که در بیداری افکار عمومی تأثیر زیاد می‌کرد».^۱ بیشتر نمایشنامه‌هایی را که گروه نمایش جمعیت فرهنگ اجرا کرد ترجمه میرزا حسن خان ناصر است و او متن نمایشنامه‌ها را با شرایط جامعه ایران تطبیق (adapteur) می‌داد.^۲ علاوه بر ناصر، کریم کشاورز هم دست‌کم دو نمایشنامه «هوراس» و «سینا» نوشته پیر کورنی، را برای جمعیت فرهنگ ترجمه کرد.^۳ از نمایشنامه‌های نویسندگان ایرانی که گروه نمایش جمعیت فرهنگ اجرا کرد می‌توان به نمایشنامه «جعفرخان از فرنگ آمده» نوشته حسن مقدم، «پری‌چهر و پری‌زاد» نوشته رضا کمال شهرزاد اشاره کرد.^۴

کمیسیون تئاتر جمعیت فرهنگ برای اجرای نمایش با مشکلات گوناگونی مواجه بود. علی‌گباری در این باره می‌نویسد: «با اینکه نقش‌های نمایش میان خودمان تقسیم می‌شد ولی از حیث هنرپیشه در مضیقه بودیم. مهم‌تر از همه بازی مردان در نقش زن بود که مجبور می‌شدیم از مردها استفاده نماییم»^۵ و نیز متناسب با هر نقشی بایستی لباس‌هایی از سمساری اجاره نماییم. علاوه بر همه اینها موضوع خود نمایشنامه بود که گاهی واکنش‌های منفی بین مرتجعین محل به وجود می‌آورد و حتی کار به

۱. گُباری، خاطراتی از جمعیت فرهنگ و...، ص ۸۱

۲. گُباری، خاطراتی از جمعیت فرهنگ و...، ص ۸۱

۳. مجله فرهنگ، اول جوزا [خرداد] ۱۲۹۹، ص ۵۰.

۴. جمشید ملک‌پور، ادبیات نمایشی در ایران، ج ۲، تهران، توس، ۱۳۶۳، ص ۶۷.

۵. تا اوایل سال ۱۳۰۳ «تقسیم نقش‌های زنانه بین مردها انجام می‌گرفت زیرا هنوز تا آن‌زمان زنان مجاز به ورود در صحنه نبودند. [...] زل‌های زنان [در گروه نمایش جمعیت فرهنگ] را آقایان کوچکپور، احمد درخشان، اسدالله کیانی و خود اینجانب [گلبرگ] و چند تن دیگر ایفاء می‌نمودیم.» یادداشت‌های محمد باقر گلبرگ، در: جودت، یادبودهای انقلاب گیلان و...، ص ۲۷.

حملات آنها به ما می‌کشید.^۱ البته اشراف‌زادگان روشنفکر اروپا دیده هم بودند که ما را مورد حمایت قرار می‌دادند. آنها به نمایشات ما علاقه زیادی نشان می‌دادند. به علاوه اینکه حق اشتراک ماهیانه برای ورود به نمایش‌ها می‌پرداختند و به ما در فروش بلیط‌ها که خود مصیبتی بود و اغلب نسیه داده می‌شد کمک می‌کردند.^۲ علاوه بر اشراف زادگان، شماری از کارمندان، تجار و کسبه رشت مانند محمود حریری اصل (تاجر پارچه)، حسین شرافت (کتابفروش)، حاجی رضا مطبوعه (تاجر و چاپخانه‌دار) و... هم از حامیان جمعیت فرهنگ بودند. به‌رغم همه دشواری‌ها، در سال‌های ۱۳۰۴-۱۲۹۷ جمعیت فرهنگ توانست نزدیک به دویست بار نمایشنامه‌های اجتماعی و اخلاقی در رشت و انزلی اجرا کند.^۳

تشکیل کلاس اکابر برای مردان از اولین فعالیت‌های جمعیت فرهنگ بود. این کلاس شب‌ها تشکیل می‌شد و بیشتر مدرسان آن اعضای داوطلب جمعیت فرهنگ بودند. شرکت در کلاس اکابر رایگان بود و مدرسان هم مزد نمی‌گرفتند. از سال ۱۲۹۶ به بعد، در هر سال تحصیلی یک کلاس اکابر تشکیل می‌شد و در خردادماه از نوآموزان امتحان می‌گرفتند. از شمار افرادی که از طریق کلاس اکابر جمعیت فرهنگ باسواد شدند اطلاعی در دست نیست اما با توجه به گزارش مجله فرهنگ درباره فارغ‌التحصیلان کلاس

۱. یکی از آن حمله‌ها به علت اجرای نمایشنامه سالوس (Tartuff) نوشته مولیر بود. در اواخر بهمن ماه ۱۲۹۸ آنها این نمایشنامه را با عنوان «ریاکار» ابتدا در رشت و سپس به یاری انجمن پرورش در انزلی اجرا کردند. مدت کوتاهی پس از پایان نمایش، عده‌ای به سن عمیدیه حمله‌ور شدند و در و پنجره، صندلی‌ها و پیانو را شکستند. به دنبال این واقعه، اسامی عده‌ای از گروه نمایش جمعیت فرهنگ مانند کریم کشاورز، علی کُبّاری، اسماعیل شیرنگ و... به سلمانی‌ها و حمام‌های انزلی و رشت داده شد که آنها را راه ندهند. برای اطلاع بیشتر، بنگرید به: کُبّاری، خاطراتی از جمعیت فرهنگ و...، ص ۸۱؛ یادداشت‌های گلبرگ، در: جودت، یادبودهای انقلاب گیلان و...، صص ۳۵-۳۴؛ کوچکپور، نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی...، صص ۳۲-۳۱.

۲. کُبّاری، خاطراتی از جمعیت فرهنگ و...، ص ۸۱.

۳. تقی رائفی، هشت سال مبارزه، مجله فرهنگ، حمل [فروردین] ۱۳۰۴، ص ۵.

اکابر در سال تحصیلی ۱۳۰۴-۱۳۰۳، به نظر می‌رسد در این زمینه جمعیت فرهنگ موفق بوده است. مجله فرهنگ می‌نویسد: در خردادماه ۱۳۰۴ «قریب به یک‌صد نفر که از سواد بی بهره بوده‌اند از عهده امتحانات به‌خوبی برآمدند و نتیجه زحمات این جمعیت را معلوم داشتند»^۱

رضا روستا در باره فعالیت سوادآموزی جمعیت فرهنگ مدعی است: «مجمع فرهنگ به وسیله تشکیل مدرسه دهقان [در قریه ویشگاه] و کلاس اکابر در روستا دست به کار در میان دهقانان زد.»^۲ لازم به توضیح است که تشکیل مدرسه دهقان و فعالیت‌های دهقانی از جمله اقدامات جمعیت فرهنگ نبود بلکه نتیجه ابتکار اعضای یکی از حوزه‌های فرقه کمونیست ایران در رشت بود؛ در این باره علی کباری می‌نویسد: «نظر به اینکه ما با دهات ارتباط نداشتیم و از دهقانان به دور بودیم از حوزه ما پیشنهاد شد که برای تبلیغات یکی از ماها هفته‌ای یک‌بار به دهات برود. چند ماه گذشت جوابی نیامد. من و رضا روستا و یک نفر دیگر تصمیم گرفتیم که در دهات فعالیت کنیم. قبلاً مدرسه‌ای در یکی از دهات دایر کردیم که دارای ده نفر محصل بود و یک معلم تدریس می‌کرد. بودجه آن را با جمع‌آوری اعانه و حق عضویت داخلی خودمان تأمین می‌کردیم. این مدرسه که ارتباط ما را با دهقانان تاحدی تأمین می‌کرد، چند سال دایر بود ولی بعداً دولت آن را در اختیار خود گرفت.»^۳

مجله فرهنگ

فرهنگ مجله‌ای ماهیانه با خط‌مشی ادبی، علمی، اخلاقی و اجتماعی بود که

۱. مجله فرهنگ، تیرماه ۱۳۰۴، ص ۱۶۲.

۲. رضا روستا، «مجمع ادبی فرهنگ»، مجله دنیا، پاییز ۱۳۴۴، ص ۸۲.

۳. کباری، خاطراتی از جمعیت فرهنگ و...، ص ۸۳.

شماره اول آن در اول دی ماه ۱۲۹۸ و آخرین شماره آن در آخر مهرماه ۱۳۰۷ در رشت منتشر شد. این مجله به پیروی از نظامنامه جمعیت فرهنگ به سیاست و رویدادها و تحولات ایران و جهان نمی پرداخت و اگر در مقاله «یونکرس اشتباه کرده»^۱ اشاره ای به مجلس شورای ملی و پیشنهاد آن شرکت هواپیمایی برای فعالیت در ایران کرد از منظر نقد اجتماعی و حلقیات رایج در جامعه ایران بود نه اظهار نظر سیاسی.

در شماره اول فرهنگ، محمد شبانی هدف از انتشار مجله را چنین توضیح می دهد: «ما می خواهیم با یک اسلوب ساده، سهل و ممتنع تا حدی که خوانندگان را ملالت نیابد به ایراد مطالب و نکات علمیه مبادرت ورزیده، مفهومات و معتقدات انسان امروزی را در لباس های فاخر ادبی، اصطلاحات و لغات شیوا که خاص زبان شیرین فارسی است جلوه داده، با یک روح جوان و فکر آزاد، دریچه های گلزار سعادت و نیکبختی را که آراسته به انواع شکوفه های بانزهت دانش و غنچه های نوشکفته ادب است به روی هموطنان خود بگشاییم»^۲.

مجله فرهنگ دو دوره منتشر شد؛ دوره اول از دی ماه ۱۲۹۸ تا تیرماه ۱۲۹۹. در این دوره هفت شماره از مجله منتشر شد و با تشکیل حکومت جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران به رهبری میرزا کوچک خان تعطیل شد. در این دوره از شماره اول تا سوم مدیر و سردبیر آن میرزا محمد خان شبانی بود و از شماره چهارم به بعد شیخ احمد قطبی سردبیر مجله شد. تغییر مدیر و سردبیر تأثیری بر خط مشی مجله نگذاشت تفاوت در این بود که شبانی در هر شماره چندین مقاله می نوشت و در مقاله هایش تلاش می کرد توانایی خود را در ادبیات فارسی نشان دهد و مقاله هایش دچار

۱. مجله فرهنگ، اردیبهشت ۱۳۰۴.

۲. م. شبانی، «مرام ما»، مجله فرهنگ، جدی [دی] ۱۲۹۸، ص ۳.

لفاظی و عبارت‌پردازی‌های غیرضرور بود ولی شیخ احمد قطبی کم می‌نوشت و برخلاف شبانی که متجدد بود نظریاتی کم و بیش سستی داشت. در دوره دوم، فروردین‌ماه ۱۳۰۴ تا مهرماه ۱۳۰۷، مدیر و سردبیر مجله فرهنگ تقی رائق بود. در این دوره بیش از دوره اول نگرش آزادیخواهانه و تجددطلبانه بر مجله فرهنگ حاکم بود و آثار نویسندگان با دیدگاه‌های گوناگون از ناسیونالیست تجددطلب تا مارکسیست در آن مجله منتشر می‌شد. با این حال، شمار قابل توجهی از مقاله‌های دوره دوم مجله فرهنگ مانند «تکامل چیست؟» نوشته دکتر آقاخان اسماعیل‌زاده، «دترمینیزم و اندترمینیزم» نوشته نیکلای بوخارین، «در اطراف پیدایش انسان» نوشته کریم کشاورز، «همیشه ماده، همیشه حرکت» نوشته ابوالقاسم ذره، «میرزا آقاخان کرمانی» نوشته ر. پدیدار و... متأثر از اندیشه‌های مارکسیستی است. بیشتر نویسندگان مجله از اعضا و حامیان جمعیت فرهنگ بودند با این حال، برخی نویسندگان مانند سعید نفیسی از تهران، ابوالقاسم ذره از مسکو و... کم و بیش مقاله‌هایی برای مجله فرهنگ می‌فرستادند.

مقاله‌ها و مطالب مجله فرهنگ بخصوص در دوره دوم متنوع بود و عمدتاً شامل مباحث ادبی و هنری (داستان مانند «از دفتر خاطرات یک خرس» نوشته هانری هن، بخش‌هایی از نمایشنامه‌های ژولیوس سزار نوشته شکسپیر، «هوراس» نوشته پیر کورنی، «سرود ملی ما و سرود مارسیز» نوشته کریم‌کشاورز، شعر از ملک‌الشعرا بهار، ایرج میرزا، یحیی دولت‌آبادی و...)، علمی و بهداشتی (مانند «ریاضیات عالیّه چیست» نوشته عیسی صدیق، «عکس ارواح»، «اثر اشعه زنتگن در مو»، «زلزله و علت آن» و...)، تاریخی و جغرافیا («شیخ زاهد گیلانی و مقبره او» نوشته سعید نفیسی، زندگینامه شماری از مشاهیر، «سرزمین عجایب» نوشته شبانی، «به طرف قطب شمال» و...) اخلاق («وحدت اخلاق و شریعت و دین» نوشته احمد قطبی و...)، آموزش و پرورش (مانند «اصلاحات معارف»